

فرهنگ

لغات و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی

انگلیسی-فارسی

فارسی-انگلیسی

بیش از ۱۵۰۰۰ لغت و اصطلاح

بیش از ۳۰۰۰۰ اختصار و سروازه

اسامی سازمان‌ها و نهادهای اطلاعاتی و انتظامی دنیا



مولف: اصغر کرشاسبی

ویراستار: اسماعیل سلامی

انتشارات زبانکده

ISBN: 964-6117-66-X



9789646117662

فرهنگ

لغات و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی

انگلیسی – فارسی

فارسی – انگلیسی

تألیف

اصغر گرشاسبی

ویراستار

اسماعیل سلامی



انتشارات زبانگده

۱۳۸۵

گرشناسی، اصغر، ۱۳۴۶ -

فرهنگ واژگان اطلاعاتی و امنیتی انگلیسی - فارسی / فارسی - انگلیسی تالیف اصغر گرشناسی؛ ویراستار اسماعیل سلامی - تهران: زبانکده، ۱۳۸۵ . ۲۳۲، ۱۵۳ ص.

ISBN: 964-6117-66-X

فهرستنويسي براساس اطلاعات فپا.

عنوان دیگر: فرهنگ دوسویه واژگان اطلاعاتی و امنیتی (انگلیسی - فارسی) (فارسی - انگلیسی).
Asgar Garshasbi: Dictionary of Intelligence and Security: ص.ع. به انگلیسی:

۱. سازمان اطلاعاتی - واژه نامه ها-- فارسی. ۲. سازمان انگلیسی -- واژه نامه ها-- فارسی. ۳. زبان انگلیسی--واژه نامه ها--فارسی. ۴. فارسی -- واژه نامه ها-- انگلیسی. الف.سلامی، اسماعیل، ۱۳۴۶ - ویراستار. ب. عنوان. ج. عنوان: فرهنگ دوسویه واژگان اطلاعاتی و امنیتی (انگلیسی - فارسی) (فارسی - انگلیسی).

۴ گ ۲ س / ۱۵۲۵ JF ۳۲۷/۱۲۰۳

۳۲۱۸ - ۸۵

کتابخانه ملی ايران



ZABANKADEH
Publications

انتشارات زبانکده

تهران - روپرتوی دبیرخانه دانشگاه تهران - بازارچه کتاب - شماره ۸

تلفن: ۶۶۹۵۱۳۲۴ - ۶۶۴۰۲۳۶۷ فکس: ۶۶۴۹۲۹۶۱

E-mail:info@Zabankadeh.net صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۰۵۶۴

فرهنگ لغات و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی

فارسی- انگلیسی / انگلیسی- فارسی

تالیف: اصغر گرشناسی / ویراستار: اسماعیل سلامی

چاپ دیبا، تیراز ۳۰۰۰ نسخه، چاپ اول

شابک X-66-6117-66-X ISBN 964-6117-66-X

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای انتشارات زبانکده محفوظ است
هر نوع استفاده تجاری از این فرهنگ اعم از کپی، بازنویسی، ضبط کامپیوتري،
تکثیر، تهیه نرم افزاری و ... کلی و جزئی ممنوع و قابل پیگرد قانونی می باشد.



Zabankadeh



انتشارات زبانکده

تهران ۱۳۸۵

مقدمه

با پیشرفت علوم و فنون مختلف و تخصصی شدن رشته‌های مختلف علمی و فنی، فرهنگ‌های تخصصی یکی پس از دیگری پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند و امروز بازارهای کتاب، مملو از فرهنگ‌های مختلف است. مسلمانًا عنوانی نظری فرهنگ واژگان سیاسی، فرهنگ مطبوعاتی، فرهنگ واژگان رایانه، فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی، فرهنگ واژگان اقتصادی و... برای خوانندگان نام‌های آشنایی هستند. اما فرهنگ واژگان اطلاعاتی و امنیتی یقیناً نام جدیدی است.

آشنایی مؤلف با متون اطلاعاتی به حدود ۱۵ سال قبل بازمی‌گردد و از همان زمان، به دفعات مشاهده می‌نمودم که بسیاری از مترجمین و محققین به علت عدم آشنایی با واژگان اطلاعاتی در برگردان کتب و مقالات اطلاعاتی و علوم مرتبط و همچنین ترجمه‌ی فیلم‌های اطلاعاتی مرتکب اشتباه می‌شوند و نبود یک فرهنگ تخصصی نقایص و ابهامات زیادی را در ترجمه متون اطلاعاتی به وجود می‌آورد. توجه به واژگانی از قبیل dead drop, raven, swallow, sterilize, jib, sanitize و صدھا واژه‌ی دیگر روشنگر این مدعاست.

از آن جایی که در نیم قرن گذشته، اطلاعات به معنای intelligence و information (جایگاه خود را به عنوان یک علم در بین علوم اجتماعی یافته است و به تدریج واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی زیادی در آن ابداع شده است، از حدود ۱۱ سال قبل فکر تأثیف یک فرهنگ اطلاعاتی به ذهن نگارنده خطور نمود و از همان زمان، یعنی سال ۱۳۷۴، مطالعه‌ی منابع، مأخذ و فرهنگ‌های اطلاعاتی را آغاز نمودم. حاصل دو سال کار در سال ۱۳۷۶ در تیراز محدود منتشر گردید.

اثر حاضر فرهنگ دوسویه‌ی واژگان و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی نام

گرفته است که برای نخستین بار در کشور منتشر می‌شود. بخش انگلیسی به فارسی حاوی ۶۰۰۰ مدخل و حدود ۱۰۰۰ مثال و بخش فارسی به انگلیسی ۹۰۰۰ مدخل و حدود ۱۵۰۰ مثال می‌باشد. ضمیمه‌های این فرهنگ در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، حدود ۳۰۰۰ اختصار اطلاعاتی به ترتیب الفبایی فهرست شده است. در بخش دوم، اسامی سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی بیش از ۱۸۰ کشور جهان درج شده است.

آشنایی مؤلف با جناب آقای اسماعیل سلامی و پذیرش وظیفه‌ی خطیر ویراستاری این اثر از سوی ایشان نگارنده را نسبت به بنیه‌ی علمی و فنی اثر مطمئن ساخت. باید اعتراف کنم که کار جناب سلامی صرفاً به ویراستاری فرهنگ خلاصه نگردید و ایشان علاوه بر زحمت ترجمه‌ی مثال‌ها، مسئولیت برطرف نمودن کمبودها و نواقص موجود (از جمله افزودن واژگان و مثال‌های از قلم افتاده) را نیز عهده‌دار بودند.

این اثر بدون عنایت و شهامت جناب آقای محمدرضا یاراحمد، مدیر محترم انتشارات زبانکده، در ورود به چنین عرصه‌های جدیدی امکان طبع نمی‌یافت. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از ایشان صمیمانه تشکر نمایم.

اصغر گرشاسبی

بهار ۸۵

فرهنگ لغات و اصطلاحات

اطلاعاتی و امنیتی

فارسی – انگلیسی

۱۰

آشکارساز اشعه ایکس

homicide	آدم‌کشی	
ideologue	آدم مکتبی	
infiltrator	آدم نفوذی	pistol-whip
quash	آرام کردن	blue-on-blue
order of battle	آرایش جنگی	firefly
cloak and dagger	آرتیست بازی جاسوسی	(ماده‌ی شیمیایی محترقه که در عملیات خرابکاری به کار می‌رود).
archives	آرشیو	آتش‌زن
liberty	آزادی	آتش‌گشودن (با گلوله)
freedom of parties	آزادی احزاب	آتش‌خودی
economic liberty	آزادی اقتصادی	آتش‌گشودن
freedom of information	آزادی دسترسی به اطلاعات حکومتی	سریازها به سوی شورشیان آتش‌گشودن.
religious liberty	آزادی دینی	آخرین توجيهات
political freedom	آزادی سیاسی	آخرین توجيهات
political liberty	آزادی سیاسی	آدرس وقت
personal liberty	آزادی شخصی	آدم دودوزه باز
individual liberty	آزادی فردی	آدمربا
civil liberty	آزادی مدنی	آدم‌ربایی
polygraph test	آزمایش دروغ‌سنجه	Detectives are questioning a man about the politician's abduction.
polygraph testing	آزمایش دروغ‌سنجه	کارآگاهان از مردی در مورد ربوه شدن آن سیاستمدار بازجویی می‌کنند.
DNA testing	آزمایش دی ان‌ای	آدم‌ربایی
crime lab	آزمایشگاه جرم‌شناسی	آدم‌ربایی
crime lab	آزمایشگاه جنایی	آدم‌ربایی
litmus test	آزمایش لیتموس	آدم‌فروش
alarm	آژیر	آدم قلابی
<i>He set off the alarm by accident.</i>		آدمک
او تصادفاً آژیر را به صدا درآورد.		(در ضد تعقیب برای به اشتباه انداختن تعقیب‌کنندگان در مورد تعداد سرنیشان خودرو)
non-secret	آشکار	آدم‌کش
open	آشکار	آدم‌کش
overt	آشکار	آدم‌کش
white	آشکار	آدم‌کش
detect	آشکار ساختن	آدم‌کش حرفه‌ای
<i>They tailed the agent without being detected.</i>		<i>The assassin used a handgun fitted with a muffler.</i>
آن‌ها بدون این که کسی متوجه شود، عامل را تعقیب کردند.		تروریست از یک اسلحه مجهز به صدای خفه کن استفاده کرد.
detector	آشکارساز	آدم‌کش حرفه‌ای
x-ray detector	آشکارساز اشعه ایکس	آدم‌کش حرفه‌ای

بلیس به محركهای سیاسی برای آتش زدن بانک	آشکارساز حرارتی
مظنون است.	آشکارساز دستی
rebel آشوبگر	آشکارساز دست
rioter آشوبگر	آشکارساز دوربین مخفی
sedition آشوبگری	آشکارساز صدای پا
<i>Trade union leaders were charged with sedition.</i>	آشکارساز مادون قرمز
رهبران اتحادیه‌ی کارگری متهم به آشوبگری شدند.	آشکارساز مغناطیسی
race riot آشوب نژادی	آشکارساز مواد منفجره پلاستیکی
set up آغاز عملیات مراقبت روی سوژه	thermal neutron recorder
privy آگاه	آشکارسازی
<i>They were accused of being privy to the plot against the president.</i>	آشکارسازی رادیویی
آنها متهم شدند که از توطئه علیه رئیس‌جمهور آگاه بودند.	آشنا
witting آگاه (به همکاری با سازمان اطلاعاتی)	آشوب
informed آگاهانه	<i>Strong opposition and vigorous agitation forced the prime minister to resign.</i>
write-in آگاه به همکاری (برای سازمان اطلاعاتی)	مخالفت شدید و آشوب زیاد نخست وزیر را وادر به استعفا کرد.
knowledge آگاهی	disorder آشوب
mug book آلبوم عکس افراد سابقه‌دار	disturbance آشوب
murder weapon آلت قاتله	riot آشوب
in the net آلوده	<i>Security forces succeeded in quelling the riot.</i>
alert آماده‌باش	نیروهای امنیتی موفق شدند آشوب را سرکوب کنند.
<i>All our border points are on full alert.</i>	آشوب به راه انداختن
تمام ایستگاههای مرزی در حالت آماده‌باش صدرصد بودند.	آشوب به راه انداختن
آماده ساختن کاندید استخدام	put down a riot آشوب را خواهاندن
آماده‌سازی کاندید استخدام	quell a riot آشوب را خواهاندن
آماده‌سازی مأمور	political turmoil آشوب سیاسی
(اقداماتی که پیش از جلب همکاری یا استخدام مأمور صورت می‌گیرد تا زمینه‌ی پذیرش در روی وجود آید.)	riot آشوب کردن
آماده کردن کاندید استخدام	<i>The crowds rioted against the government.</i>
soften up a target آماده‌ی پرش	مردم علیه دولت شورش کردند.
ready for the high jump آماده‌ی پرش	آشوبگر
(افسر اطلاعاتی که به مرکز احضار شده و از ترس مواخذه آماده‌ی بریدن از تشکیلات و پناهندگی به حریف است.)	<i>Police suspect political agitators of setting fire to a bank.</i>
official statistics آمار رسمی	
intelligence education آموزش اطلاعاتی	

tasking	ابلاغ مأموریت	intelligence training	آموزش اطلاعاتی
reasonable doubt	ابهام موجه	regrooming	آموزش زبان و فرهنگ کشور هدف
(محرمانه تلقی کردن یک خبر هنگام ابهام در مورد لزوم طبقبندی آن)		on-the-job training	آموزش ضمن خدمت
shielded enclosure	اتاق شیلد	field training	آموزش کار در صحنه
tank	اتاقک امن	silent school	آموزش مخفی عوامل اطلاعاتی
tank	اتاق کنفرانس امن	special training	آموزش ویژه
vault	اتاق گاوصندوقی	conay	آنتن
warming room	اتاق گرم	grass	آنتن
	(اتاق استراحت تیم مراقبت)	informer	آنتن
guard room	اتاق نگهبانی	mouse	آنتن
foreign nationals	ابیاع ییگانه	nark	آنتن
foreign subjects	ابیاع ییگانه	plant	آنتن
<i>Two foreign subjects were detained on charge of spying.</i>		snout	آنتن
	دو تبعه‌ی ییگانه به اتهام جاسوسی دستگیر شدند.	stool	آنتن
official	ابیاع رسمی ییگانه	stool pigeon	آنتن
labor union	اتحادیه‌ی کارگری	stoolie	آنتن
police car	اتومبیل پلیس	displaced person	آواره
surveillance car	اتومبیل ت.م.	war refugee	آواره‌ی جنگی
patrol wagon	اتومبیل حمل زندانیان	intercom	آیفون
bullet-proof car	اتومبیل ضدگلوله	master spy	ابرجاسوس
<i>The president arrived in a bullet proof car.</i>		spymaster	ابرجاسوس
		super spy	ابرجاسوس
		<i>Sorge was a good example of a super spy.</i>	
		سورژ نمونه‌ی خوبی از یک ابرجاسوس بود.	
patrol car	اتومبیل گشت	ابزار آلات جاسوسی	ابزار آلات جاسوسی
panda car	اتومبیل گشت پلیس	espionage equipment	ابزار آلات جاسوسی
patrol car	اتومبیل گشت پلیس	espionage gadgetry	ابزار بازجویی
accusation	اتهام	interrogation aids	ابزار جاسوسی
<i>A number of serious accusations have been made against her.</i>		espionage tools	ابزار جاسوسی
	اتهامات جدی به او وارد شده است.	spying tools	ابزار جمع آوری اطلاعات
<i>The main accusation levelled against him was that he tried to avoid military service.</i>		intelligence gathering equipment	ابزار فنی کار پنهان
	اتهام اصلی که به او بستند این بود که سعی داشته از انجام خدمت نظام فرار کند.	clandestine devices	CIA collects information by operating secret agents and by using clandestine devices.
<i>His administration now faces</i>			سازمان سیا با به کارگیری مأموران مخفی و استفاده از ابزار فنی کار پنهان اطلاعات جمع آوری می‌کند.

resident director	سر شبکه، رئیس شبکه منابع	اعزام مراقب دوم تقلب کردن در، دستکاری کردن
residentura	ایستگاه قانونی	<i>Some international observers have claimed the election was rigged.</i>
resistance	جنبیش مقاومت	برخی از ناظران بین‌الملل ادعا کرده‌اند که در انتخابات تقلب شده است.
resistance group	گروه مقاومت	<i>The briefcase must have been rigged.</i>
resistance movement	جنبیش مقاومت	چمдан را حتماً دستکاری کرده‌اند.
resistance network	شبکه‌ی مقاومت	تقلبی، دستکاری شده
resources	منابع، امکانات	تقلب جناح راست، راست‌گرا، دست راستی، راستی
<i>Only limited resources are available to the police.</i>	تنها منابع محدودی در اختیار پلیس است.	جناح راست حزب محافظه کار با لایحه مخالفت کرد.
response signal	علامت سلامتی	<i>The right wing of the Conservative party opposed the bill.</i>
<i>They swapped a response signal before meeting.</i>	آن‌ها قبل از جلسه علامت سلامتی ردو بدل کردند.	حزب جناح راست راستی، راست‌گرا
restricted	محرمانه	<i>Police smashed a drugs ring.</i>
restricted area	منطقه‌ی تردد محدود	پلیس یک شبکه‌ی مواد مخدر را در هم شکست.
restricted data (RD)	داده‌های حفاظت‌شده	جنجال به پا کردن، طبل انقلاب نواخته می‌شود (زمان وقوع انقلاب در کشور میزبان نزدیک شده است).
<i>(نوعی قید حفاظتی که روی استاد مربوط به اطلاعات هسته‌ای درج می‌شود).</i>	اسناد حفاظت شده، اسناد طبقه‌بندی شده	<i>The ringleader of an international drug ring has been arrested.</i>
restricted documents	اسناد مربوط به پاکیزگاری سیر	سردسته‌ی یک شبکه‌ی مواد مخدر بین‌المللی دستگیر شده است.
retracing the analysis	تحلیل اطلاعاتی (یک روش کشف محل خطای برآورد اطلاعاتی)	اطلاعات پرتوی
retted asset	منبع موثق	آشوب به راه انداختن، شورش کردن، آشوب کردن
reveal	برملاکردن، فاش کردن، افشا کردن، لودان	<i>The crowds rioted against the government.</i>
<i>Howard revealed three CIA assets to the KGB.</i>	هاوارد سه مأمور سازمان سیا را به کار گرفت. هویت کسی را فاش کردن	مردم علیه دولت شورش کردن.
reverse engineering	مهندسی معکوس	آشوب، شورش، اغتشاش
<i>(خرد نمودن یک دستگاه یا وسیله برای مطالعه نحوه کار آن).</i>	ایدیولوژی انقلابی	<i>Security forces succeeded in quelling the riot.</i>
revolutionary ideology	تیانجه	نیروهای امنیتی موفق شدند شورش را سرکوب کنند.
revolver	<i>The man produced a revolver from his pocket and pointed it at her.</i>	آشوب را خواباندن
RF detector	فرکانس‌یاب	آشوب را خواباندن آشوب به راه انداختن کنترل اغتشاش

riot gear	تجهیزات ضد شورش	عملیات جمع شده،
riot police	پلیس ضد شورش	عملیات خاتمه یافته
<i>The demonstration was broken up by riot police using tear gas.</i>	پلیس ضد شورش با استفاده از گاز اشک آور	سوار شدن نامحسوس به خودروهای در حال حرکت
	تظاهر کنندگان را متفرق کرد.	جمع کردن، دستگیر کردن
riot shield	سپر ضد شورش	تمام اعضای شبکه‌ی جاسوسی دستگیر و زندانی شدند.
riot squad	پلیس ضد شورش	round up
rioter	آشوبگر، شورشی	All the members of the spy net were rounded up and interned.
rioting	شورش، اغتشاش	round-the-clock surveillance
<i>Several police were injured during the rioting.</i>	چند مأمور پلیس طی اغتشاش مجروح شدند.	مراقبت بیست و چهار ساعت، مراقبت شبانه روزی
rise	قیام کردن، شورش کردن	خلاصه اطلاعات
rising	شورش، قیام	roundup
risk	خطر امکان شکستن پیام‌های رمزی خودی	کنترل منظم، بررسی نوبه‌ای
	توسط حریف	تکس عادی،
risk analysis	تجزیه و تحلیل مخاطرات	تکس بدون فوریت
risk assessment	ارزیابی مخاطرات	routine surveillance
	(بررسی احتمال ناکامی یک عملیات)	مراقبت منظم، مراقبت مداوم
road block	ایست و بازرگانی	rules
<i>The police have set up road blocks to try to catch the two men.</i>	پلیس ایست و بازرگانی ایجاد کرده تا آن دو مرد را دستگیر کنند.	طرح قرار
road map	نقشه‌ی راهها	<i>The guidelines established for any clandestine meeting is called rules.</i>
rogue gallery	مجموعه عکس‌های مجرمین	تمام دستورالعمل‌های یک جلسه‌ی مخفی طرح قرار نامیده می‌شود.
rogue state	دولت یاغی	ruling party
role-playing	نقش بازی کردن	حزب حاکم
roll out	رول کردن نامه	شایعه
	(یک روش سانسور پستی)	<i>blow rumors</i>
roll up	دستگیر کردن	شایعه پراکنی کردن
<i>The Soviets rolled up all of the CIA's agents in Moscow.</i>	شوری‌ها تمام مأموران سازمان سیا را در مسکو دستگیر کردند.	شایعه کردن
		rumor
		rumor mongering
		شایعه پراکنی،
		شایعه پردازی
rumormonger		شایعه پرداز، شایعه پراکن
run		هدایت کردن، اداره کردن
		<i>run sb against</i>
		به کارگیری مأموری علیه....
		<i>run a game</i>
		حقای سوار کردن
		<i>run a spy network</i>
		شبکه جاسوسی را اداره کردن
		ruse de guerre
		فریب‌های جنگی
		R
		(نابودی تدریجی یک سازمان پنهان یا بخشی از آن توسط سازمان اطلاعاتی حریف به وسیلهٔ نفوذ یا افشای آن)